سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

اداره مخطوطات

نام کتاب: قوس قزح

ق ۹۶۲

مولف متن: محمد بن میر غیاث الدین منصور دشتکی / محشی: صدرالدین / مؤلف الذکری در

شارح .... مترجم

تاریخ تحریر: ۱۱۸۱ ق ؟ نوع خط: نسخ تعداد سطر: ۱۸

نام کاتب: احمد ؟

موضوع: نجوم / علوم طبیعی زبان: فارسی عدد اوراق: ۵

طول .... عرض .... شماره عمومی: ۱۳۷۰۸

وقفی / خریداری .... تاریخ وقف: ؟

ملاحظات: اول رساله شامل دو صفحه از فرزند

مؤلف احتمالا (مسعود بن محمد : الذریعه ۱۱/۱۰) دیباچه‌ای

است.

× ذیلاً چهار صفحه دارد

1 - رساله ...

از محمد بن منصور ...

2 - تعلیقات ...

شرح تسعم فلکت از ...

3 - حاشیه ...

تعلیقات ...

اسم کتاب

مصنف

مؤلف

خطی نسخ

چاپی

سال چاپ

جزء کتب

شماره عمومی

واقف

طول ۱۶/۵ عرض ۱۰/۵ شماره صفحات

* صدر رساله اول ضمن دو صفحه دیباچه‌ای ظاهراً نوشته فرزند محمد بن غیاث الدین منصور دشتکی موجود است

* اول و آخر ... دارای مهر بیضوی با نقش عبده احمد است کراسه ... ۳۲ ... کاتب است و تاریخ تحریر طبق مهر برگ ۳ ... سال ۱۱۸۱ ق است

صحافی

احمد طالبان



۱- رساله در کیفیت حدوث هاله و قوس و قزح - فارسی
از محمد بن منصور
۲- تعلیقات غیاث الدین منصور
شرح حکمة العین از کتاب العین
۳- حاشیه رکن خیرات غیاث الدین منصور
۴- رساله فی الآثار الظاهره فی الجو
(هاله و قوس و قزح)

کتابخانه آستانقدس

اسم کتاب: مجموعه * (قوس قزح) * رساله اول

مصنف: * محمد بن منصور حسینی دشتکی شیرازی (۸۶۶ - ۹۴۸ ق.) غیاث الدین

مؤلف:

خطی: نسخ

جلد: تیماج ... (?)

سال چاپ یا تحریر: قرن ۱۱ ق — عدد اوراق: ۶۷ — ۷۵

جزء کتب: ریاضی و هیئت — شماره خصوصی:

شماره عمومی: ۱۲۷۰۸ — شماره قبض:

واقف: خریداری آستان قدس — تاریخ وقف: ۱۳۲۶/۲/۵ (?)

طول: ۱۶/۵ — عرض: ۱۰/۵ — شماره صفحات:

* صدر رساله اول ضمن دو صفحه دیباچه ای ظاهراً نوشته محمد بن غیاث الدین منصور دشتکی موجود است

صحافی
احمد طالبان

من يمنع صغرى الاولى ومنهم من ينكر
كبرى الثاني واني كتبته قدما دية المولود ها

تم الكتاب بعون الملك
الوهاب





تنبیه اربعه مجال وفیه صور

که ص بوضوح پیوسته که فلک قمر بعناصر اربعه محیطست و ایشان قابل
کون و فساد اند و کل واحد بجای خود منقلب میشوند و با یکدیگر
ممتزج می گردند و از امتزاج ایشان موالید ثلثه و مرکبات
غیر تامه پیدا میشود در صورت ترکیب غیر تام کائنات
جو مثل ابر و باد و برق و رعد و صاعقه و قوس و هاله و شهب
و نیازک و حوادث ارض مثل زلزله و خسف و انفجار عیون
تکون و حدوث مییابند و کیفیت حدوث هریک بمذهب حکما در کتب
و ص [illegible]له مفصلا مبین و مشروح گشته مجملا بیانش آنکه
از امتزاج آتش و خاک و آب و هوا باختلاف انواع و انحاء
و م دخان و بخار پیدا مید[illegible] پس ابر بخاریست منعقد از برودت
و باران اند[illegible] منجمده و برف اینست متقاطر نسبته
[illegible]ق آنست که برف قبل از اجتماع قطرات
از [illegible] بعد از آن و رعد صدای ابرست
[illegible]دران و برق اشتعال آن و گران
دعا [illegible] گردد آنرا صاعقه خوانند

و چون



و چون از ماده دهنی دخان متصاعد شود و بقرب کره نار رسد
و از حرارت مشتعل گردد شهب و نیازک ظهور یابد و چون
بسببی از اسباب هوا متحرک شود باد پدید آید و از ابخره و ادخنه
محتبسه در ارض خسف و زلزله و انفجار عیون حادث شود
اینست تمام اجمال کلام بمذهب حکما و اما اهل کلام و فقها و
علمای اسلام ابر را جسمی دانند مخالف این اجسام که از جانب
حق باخذ آب از دریای رحمت و افاضت آن مامورست
و سایر حوادث را بملایکه نسبت کنند و ظاهر قرآن و حدیث
موید اقوال ایشانست پوشیده نماند که مذهب مشهور در
قوس و هاله وجوه عیب و قصور دارد و مذهب منصور خلاف
آنست و در رسایل ریاض الرضوان باحسن وجوه مبین
شده و پدر این فقیر بنا بر رای مشهور نموده رساله درین
باب تحریر فرموده تمام آن تیمنا و تبرکا در [illegible] مقام مرقوم میگردد

بسم الله الرحمن الرحیم

بعد از یمن و تبرک بنام مبدعی محض جود ذرات کاینات
را از کتم عدم بشهرستان وجود فرستاد و درود نامعدود
بر مرکز دایره وجود که علم محیطش ما را از حقیقه خود خبر داد
میکوید محمد ابن منصور که غرض از تسوید این اوراق
بیان کیفیه حدوث خرمن ماه است که آنرا ذی هاله
خوانند و کمان رستم که تازیان آنرا قوس قزح یعنی اعرابیه خوانند و چون
بیان کیفیه حدوث ایشان مبتنی بر کیفیه ابصار است
اختلاف کرده اند مذهب که جمله ریاضیان بر آنند
آنست که بعد از تحقق شرایط ابصار شعاع از بصر
بیرون می آید و بمرئی مقابل متصل میشود و بدین واسطه
مقابل می بیند و اگر مقابل صقیل یعنی املس مانند آینه
شعاع مذکور از وی منعکس شود بچیزی که مقابل این
مقابل بود بشر … این انعکاس بر منوال اصل شعاع
باشد … خطی مستقیم بر سطح صقیل فرض کنند
و … اع را کرد و خط انکارند دو زاویه
… ان خط مفروض و ایشان حادث
… مساوی … د این هنگام مقابل صقیل مبصر

شود

شود لکن چنان نماید که صورة مقابل صقیل مقارن ماده
صقیل است و چنان نباشد و مذهب منصور که حکما
طبعی اختیار کرده اند آنست که بعد از تحقق شرایط رویه صوره
مرئی مقابل در رطوبة جلیدیه مرتسم می شود بی انکه از بصر
شعاعی بیرون آید و بمرئی متصل شود و این هنگام مدرک
کردد و همچنین اگر مرئی صقیل باشد صورة مقابل صقیل
بشرط انکه نسبت این مقابل بصقیل نسبت صقیل باشد
بناظر در رطوبة جلیدیه مرتسم میکردد و این هنگام صورة
مقابل مقارن ماده صقیل مبصر می شود پس ظاهر شد که
بر کلا المذهبین نه هرچه مقابل صقیل است می بیند بلکه اشیایی
را که وضعی نسبتی مخصوص با صقیل و ناظر باشد و اذا تحاله
اگر ناظر از مقابل آینه نگاه میکند صورة خو …
از یمین بر جهتی نگاه می کند صورة … یند که در
یسار آینه واقعست و بالعکس و اگر … جسمی …
بزرگ باشد ناظر در آینه تمام ان جسم …
ازان که ان بعض را نسبة مخصوص با …
بعد از تمهید این مقدمات …
الحق که سبب تکون هاله … نست که …

مائی خرد که از غایت خردی قوت نداشته باشد که از هوا نزول
نمایند بامر حق سبحانه و تعالی حادث شوند و از ورای این
اجزاء جسمی کثیف گرد مانند کوهی یا قطعه ابر باشد این
اجزاء مائی بمنزله آینها شوند مانند قطعه بلور که از ورای
وی جسمی کثیف باشد آینه مقابل خود شود و اگر از ورای
وی جسمی لطیف شفاف باشد آینه نشود و باید دانست
که اگر آینه بغایت خرد بود چنانچه بحسب حس قسمت
پذیر نشود شکل مقابل وی در وی محسوس نشود بلکه
شکل آینه هم محسوس نباشد چه هر شکل محسوس باید
که بحسب حس قسمت پذیر بود پس اگر اجزاء مائی بر وجه
مذکور در هوا موجود باشند و میان آفتاب یا ماه و میان این
[illegible] شیء که در کیفیت ابصار گذشت حاصل شود لازم آید
که اگر ناظر [illegible] نظر کند شبح ضوء آفتاب یا ماه
[illegible] در جهات آن اجزا مشاهده
[illegible] مذکوره بیکدیگر مذکور اند شبح
[illegible] بحقیقت جهات از این اجزا آینه
[illegible] ضوء آن [illegible] نمایند اگر پرسند که
[illegible] سبب چیست [illegible] و هاله همیشه بر هیئة

در هوا
کرد
ورای خود صح

استداره

استداره واقع می شود و دایره هاله گاه ناتمام و دایره
قوس و قزح هرگز تمام نمی باشد جواب گوییم که اگر ناظر جز اینها
متعدد نگاه کند لازم نیست که همه اینها شبح یک شیء از
جمله اشیایی که مقابل این آینهاست مشاهده نماید بلکه
جایز است که بعضی این آینها را نسبتی مخصوص با بعضی که
از شبح مقابل است با مقابله معین از این جمله بود لازم آ
مقابل نماید و بعضی دیگر را مناسبه مذکوره با مقابل باشد
پس شبح آن مقابل دیگر از وی مشاهده افتد و شک
نیست که چون ناظر شبح شیء را از آینه مشاهده کند و آینه
دیگر را بعینه همین نسبت با مرئی و ناظر باشد واجب باشد
که شبح همین شیء از آینه دیگر مشاهده نماید پس اجزاء مائی
که مقابل آفتاب یا ماه واقع آید اگر چه هر یک قابلیت داشته
باشند که آینه شبح مقابل خود شوند لازم نیست [illegible] که
آینه شبح ضوء نیرین باشد و اگر بعض [illegible] اجزاء آینه
شبح ضوء نیری شود و بعضی دیگر را [illegible]
نسبت باشد که همین حکم بود و [illegible] که آینه
باید صح
شبح ضوء هر یک از نیرین [illegible]
بر محیط نقطه شکل مستدیر [illegible]
منطقه برا

تمام است وگاه صح
از صح
دیگر صح

خطی مستقیم که میان ناظر و یکی از این اجزاست به خطی
مستقیم ثابت بمنزله محور که بر مرئی و ناظر می‌گذرد دایره
هاله یا قوس قزح بکند و حال آنکه مرئی و ناظر بمنزله دو شئ
غیر مستقیم بر محور واقع باشد و چون آینه شبح ضوء مذکور
منحصر در اجزائیست که بر منطقه مذکور اند لاجرم هاله و قوس قزح
بر هیئه استداره واقع شوند و اگر دایره ایشان تمام شود نا
مانعی باشد اما مانع ناتمامی دایره هاله آن باشد که اجزاء در بعضی
جوانب با اجزاء مائی مائی باشد و آینه نتواند بود زیرا که از وراء نبود صح
انسان جسم کثیف مذکور نباشد و مانع ناتمامی قوس و قزح است
که در زمان تکون وی آفتاب با فق نزدیک است چه اگر آفتاب
با فق نزدیک نباشد بواسطه آنکه منطقه مذکور تحت الافق واقع
میشود لازم می‌آید که قوس و قزح نباشد و چون آفتاب با فق نزدیک
نیمه صح نزدیکست زیاده از قوسی از منطقه مذکور در فوق افق واقع نیست و قوس کوچکتر
بودی تحت الافق بودی [illegible] و از اینجاست که هر چند آفتاب با فق نزدیکتر
باشد [illegible] ند و چون زاویه بما تحت الافق متعلق نیست میشود
دایره مقام [illegible] که توهم نکند که دایره قوس و قزح تمام است غایة
[illegible] در فوق افق واقع است و بعضی در تحت
[illegible] آنکه شبح [illegible] مذکوره انطباع نیست و اگر شبح را

زیرا که اجزاء مذکوره
آینه شبح ضوء آفتابند
و شبح را در آینه انطباع نیست

در آینه

٥

در آینه انطباع بودی هر آینه و بر ادر آینه محلی معین بودی و باختلاف وضع
ناظر با وجود ثبات وضع آینه و مرئی محل شبح متبدل نشدی و چنین نیست
زیرا که اگر آینه را مقابل چیزی بدارند و ناظر از یمین آینه نگاه کند شبح
مقابل را در یسار آینه مشاهده نماید و بالعکس نگویند که چون قوس
و قزح شبح آفتابست بایستی که دایره مستدیر بر هیئه ذی الشبح بودی
زیرا که معلوم شد که اجزاء مذکوره آینه شکل آفتاب نیستند
س صح بلکه لازم نباشد که شبح مرئی که قوس و قزح عبارة از آنست بشکل آفتاب
باشد بلکه آفتاب بمنزله شئ غیر منقسم است که هر یک از این اجزاء
آینه شبح ضوئی اند و اجزائی که در وسط دایره قوس و قزح واقع
اند هم چو اجزائی که بیرون دایره اند با آفتاب مناسبة مخصوصه نبود شبح صح
ندارند زیرا که بر محیط منطقه مذکوره واقع نیستند و سوال و جواب
در هاله بدین قیاس باید دانست اگر گویند موجب چیست که الوان
در قوس و قزح مختلف متراءی میشود گوییم معلوم شد که وراء این اجزاء متراءی
جسمی کدر واقع است و شک نیست که از اجتماع [illegible] ما الوان جسم کدر لون
حمره تخیل میشود قیاس بر شفق [illegible] حمره در [illegible] و د
و چون آینه دایره ثانیه و ثالثه از ناظر ابعد اند و [illegible] ضعیف شده
لا اقل لون متراءی بسواد اقل شده [illegible] دایره [illegible] امیل دکرانی
قیاس آن بود که [illegible] م شدی چه [illegible]

بسواد امیل باشد و اختلاف الوان هاله را بدین قیاس توان دانست اکنون

توقع از بزرگان خرده دان که اعیان انسان بلکه انسان العین اعیان انسانند

آنست که سببی که مقتضی تقدم گمانی بر دایره ادعوانی باشد بدین سطور الحاق — دابوهصر

نمایند والحمد لله اولا و آخرا تمام کلام صد لنا علام روح الله روحه و زاد فتوحه فی

معادله الکرام درین مقام انیست و چون عنایة بی غایة و شفقة و بی حد بی نهایة

آنحضرت در شان فقیر حقیر مضبور ... موفور بوده بیمن همت و حسن عنایت

و تربیت آن علیم عالیشان وجه تقدم دایره مذکور برین فقیر ظهور یافته — علیم

و در رسایل ریاض الرضوان و لطایف الاسرار با معنی وجوه کشف

و اظهار نموده و در رساله دیگر بزبان عربی مجلی از آن صنوبالموضیه با بن رساله

ملحق ساخته و چون در کرات مستدعی بیان مقدمه چند است که در مثل این کتاب

مناسب نیست درین باب اطناب نمی باید

فی المعادن

از امتزاج عناصر ... امزجه مختلفه حاصل میشود و می کنایت بحسب امزجه مستعد صور

متنوعه میشوند و ... ادبدیعه ظهور می یابد بس کو مظهر تغذیه و تنمیه و تولید

و ... حیوانی گویند و اگر حس و حرکت از و ظاهر نباشد

... امور ... از و ظاهر و محقق باشد صورت

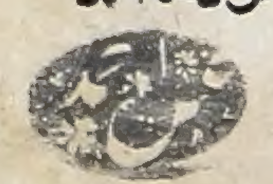
معدنی ... انواع معدنیات بسیار و اصناف خارج از حد و عد

و ... مفصل شده و در رسایل ریاض الرضوان تبیین و

... یافته و ... الله تا از رسالت فرموده اند

حاشیه اعلام الحکماء
لا ع غلط و اشتباه

بسواد امیل باشد و اختلاف الوان هاله را بدین قیاس توان دانست اکنون
توقع از بزرگان خرده دان که اعیان انسان بلکه انسان العین اعیان اند
آنست که سببی که مقتضی تقدم گمانی بر دایره ادعوانی باشد برین سطور الحاق
نمایند والحمد لله اولا و آخرا تمام کلام صلها علام روح الله روحه و زاد فتوحه فی
مبادلة الکلام درین مقام انیست و چون عنایة بی غایه و شفقت و مرحمت بی نهایت
آنحضرت درشان فقیر حقیر مصور ... موفور بوده بیمن همت و حسن عنایت
و تربیت آن علیم عالیشان وجه تقدم دایره مذکور برین فقیر ظهور یافته
و در رسایل ریاض الرضوان و لطایف الاسرار با حسن وجوه کشف
و اظهار نموده بود در رساله دیگر بزبان دری مجملی از آن صون الموصیة با این رساله
ملحق ساخته و چون دکر از مستدعی بیان مقدمه چند است که در شمول این کتاب
مناسب نیست درین باب اختصار می باید
فی المعادن
از امتزاج عناصر اربعه امزجه مختلفه حاصل میشود و هرکدام بحسب امزجه مستعد صور
متنوعه میشوند ... او بدیعه ظهور می یابد پس اگر مظاهر تغذیه و تنمیه و تولید
و حرکت ... حیوانی گویند و اگر حس و حرکت از وظاهر باشد
... موده ... ه از و ظاهر و محقق باشد صورت
معدنی ... نواع معدنیات بسیار و اصناف خارج از حد و عد
و ... مفصل شده و در رسایل ریاض الرضوان تبیین و
... یافته و ... له نار ... فرموده اند



در ابو مصر

علیم

بازبینی شد ۱۳۷۱ ش